

## مسئولیت‌پذیری در بزرگسالی در حال ظهور: نقش الگوهای ارتباطی خانواده و ابعاد هویت

سید عبدالله محمدی\*  
دکتر راضیه شیخ‌الاسلامی\*\*  
دکتر محبوبه فولادچنگ\*\*\*

### چکیده

مسئولیت‌پذیری یکی از سازه‌های مهم و قابل توجه در سال‌های اخیر بوده است و شناسایی عوامل تأثیرگذار بر آن از اهمیت بسزایی برخوردار است. این پژوهش با هدف بررسی نقش ابعاد هویت به‌عنوان میانجی رابطه بین الگوهای ارتباطی خانواده و مسئولیت‌پذیری در دوره بزرگسالی در حال ظهور انجام شد. روش پژوهش هم‌بستگی از نوع تحلیل مدلی معادلات ساختاری است. جامعه این پژوهش شامل همه دانش‌جویان کارشناسی دانشگاه شیراز در سال تحصیلی ۹۷-۱۳۹۶ مشغول به تحصیل بود. ۵۳۷ دانش‌جو (۳۲۲ زن و ۲۱۵ مرد) به روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب شدند و به پرسش‌نامه‌های مسئولیت‌پذیری، ابعاد هویت و الگوی ارتباطات خانواده پاسخ دادند. داده‌ها با استفاده از تحلیل مدلی معادلات ساختاری و نرم‌افزار آماری AMOS و شاخص‌های برازندگی تحلیل شدند. یافته‌ها نشان داد که مدل پیشنهادی از براش خوبی برخوردار است و ضرایب مسیر مستقیم الگوی ارتباطی گفت و شنود به مسئولیت‌پذیری فردی و اجتماعی، الگوی ارتباطی هم‌نوابی به مسئولیت‌پذیری فردی، الگوی ارتباطی گفت و شنود به تعهد هویتی و الگوی ارتباطی هم‌نوابی به اکتشاف هویتی معنی‌دار هستند. همچنین تعهد هویتی نقش میانجی مابین الگوی ارتباطی گفت و شنود و مسئولیت‌پذیری در مدل را بر عهده دارند. در مجموع می‌توان نتیجه گرفت که الگوی ارتباطی گفت و شنود در هویت‌یابی و مسئولیت‌پذیری دوره بزرگسالی در حال ظهور حائز اهمیت است.

واژه‌های کلیدی: اکتشاف، الگوی ارتباطی خانواده، تعهد، مسئولیت‌پذیری، هویت

### مقدمه

هم‌زمان با رشد سریع تکنولوژی و پیشرفت‌های روزافزون بشری، مراحل جدیدی در حال ظاهر شدن در گستره تحول انسان هستند. با توجه به آن که نقش‌های بزرگسالی پیچیده شده و نوجوانان برای ورود به دوره بزرگسالی نیازمند تحصیلات و مهارت‌های پیشرفته هستند، بنابراین در گستره عمر، نیازمند دوره سنی در حد فاصل دوران نوجوانی و بزرگسالی هستیم تا نوجوانان از فرصت لازم به‌منظور کسب آمادگی برای ورود به دوره بزرگسالی برخوردار شوند. این دوره سنی که به طور تقریبی در دامنه ۱۸ تا ۲۹ سالگی (Sigelman & Rider, 2018) در نظر گرفته می‌شود، تحت عنوان بزرگسالی در حال ظهور نامیده

\* دانشجوی دکتری روان‌شناسی تربیتی دانشگاه شیراز، شیراز، ایران

sheslami@shirazu.ac.ir

\*\* استادیار گروه روان‌شناسی تربیتی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران (نویسنده مسئول)

\*\*\* دانشیار گروه روان‌شناسی تربیتی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران

می‌شود (Amett, 1994). بزرگسالی در حال ظهور متمایز از نوجوانی و بزرگسالی اولیه است و با اکتشاف، استرس، ابهام و فقدان یک نقش مشخص همراه است (Munson, Lee, Miller, Cole, & Nedelcu, 2013). این دوره تحولی با ویژگی‌هایی نظیر اکتشاف هویت (جستجوی هویت و نقش‌های هویتی)، بی‌ثباتی (عدم ثبات در انتخاب موقعیت‌های شغلی و روابط با دیگران)، تمرکز بر خود (تمرکز عمیق و خاص بر خود فرد)، احساس در میان بودن (قرار گرفتن بین دوره نوجوانی و بزرگسالی اولیه) و اکتشاف احتمالات (در نظر گرفتن حالات مختلف در شرایط کاری، آینده و روابط بین‌فردی) مشخص می‌شود (Arnett, 2013).

گرچه بیشتر جوانان فرآیندهای رشد را با موفقیت می‌گذرانند، وارد دوره بزرگسالی شده و مسئولیت‌های خود را به عهده می‌گیرند، اما همچنان این ایده وجود دارد که جوانان امروزی مسئولیت‌پذیر نیستند (Mergler, Spencer, & Patton, 2007). این امر می‌تواند ناشی از آن باشد که امروزه، جوانان در دوره بزرگسالی در حال ظهور قرار می‌گیرند و به دلیل ویژگی‌هایی که گفته شد، هنوز زمینه رشد مسئولیت‌پذیری آنان فراهم نشده است. در این راستا لازم است به بررسی عوامل مؤثر بر مسئولیت‌پذیری در میان بزرگسالان در حال ظهور پرداخته شود تا بتوان شرایط لازم برای رشد مسئولیت‌پذیری در این دوره رشدی را فراهم نمود.

سازه مسئولیت‌پذیری به شیوه‌های مختلف مفهوم‌پردازی شده است (Lassi, Salam, Das, Wazny, & Bhutta, 2015). مسئولیت‌پذیری از دیدگاه روان‌شناسی مثبت‌نگر مفهومی کلیدی است که با میزان درک فرد از خود و مفهوم انتخاب، در ارتباط است (Hughes, 2010). به عبارت دیگر، مسئولیت‌پذیری بهترین ایفای نقش در انجام وظائف فردی و اجتماعی و نیز پاسخ‌گویی به نیازهای خود و دیگران است (Ellis, 2001). هم‌چنین، مسئولیت‌پذیری نشانه رشد بهنجار افراد است. به اعتقاد توماس (Tomas, 2005) یکی از ویژگی‌های رشد طبیعی آن است که فرد همان‌طور که به نیازهای خود اهمیت می‌دهد خود را در مقابل برآورده ساختن نیازهای دیگران نیز مسئول بداند. در چنین وضعیتی است که تعامل مؤثر در بین افراد یک جامعه رخ می‌دهد و احساس بهزیستی ایجاد می‌شود. مسئولیت‌پذیری دارای دو بُعد مسئولیت‌پذیری فردی و اجتماعی است. مسئولیت‌پذیری فردی به معنای آن است که فرد در قبال رفتار خود پاسخگو باشد؛ یعنی، مسئولیت سود و زیان، وظیفه تکلیفی را که بر عهده گرفته است، بپذیرد (Ellis, 2001). مسئولیت‌پذیری اجتماعی دارای ویژگی‌های متمایز از مسئولیت‌پذیری فردی است. مسئولیت‌پذیری اجتماعی به‌عنوان پایبندی فرد به قوانین اجتماعی و انتظارات نقش تعریف شده است (Galen, 2012). این قوانین به‌عنوان انعکاسی از هنجارهای اجتماعی و فرهنگی گسترده و یا به‌عنوان نتیجه‌ای از تعهدات شخصی فرد به افراد دیگر است (Galen, 2012). بندورا (Bandura, 1986) در نظریه شناختی- اجتماعی خود بر تعامل عوامل فردی و محیطی بر رشد و شخصیت انسان تأکید دارد. مطابق با جبرگرایی متقابل، سه عامل محیط، شخص و رفتار، تعیین‌کننده ویژگی‌های افراد است. بر این اساس، در پژوهش حاضر، خانواده به‌عنوان مهم‌ترین عامل محیطی مؤثر بر مسئولیت‌پذیری مد نظر قرار گرفته است.

خانواده به عنوان یکی از مهم‌ترین نهادهای جامعه و شکل دهنده شخصیت آدمی دارای قواعد و اصولی خاص است و برای اعضای خود نقش‌های متنوعی تعیین می‌کند. ارزش اصلی خانواده حاصل شبکه روابطی است که توسط اعضای آن به وجود آمده است. یکی از مهم‌ترین سازه‌های مربوط به خانواده، الگوهای ارتباطی خانواده است. الگوی ارتباطی خانواده، ساختار ارتباطی از دنیای خانواده است که بر اساس ارتباط اعضای خانواده با یکدیگر و اینکه اعضا چه چیزی به یکدیگر می‌گویند، چه کاری انجام می‌دهند و چه معنایی از این ارتباطات دارند، تعریف می‌شود (Fitzpatrick & Koerner, 2004). دو بُعد زیربنایی در الگوی ارتباطات خانوادگی شامل جهت‌گیری گفت و شنود و جهت‌گیری هم‌نواپی است. جهت‌گیری گفت و شنود به معنای آن است که خانواده‌ها شرایط صمیمانه‌ای را فراهم می‌آورند که در آن، همه اعضای خانواده تشویق به شرکت آزادانه و راحت در تعامل، بحث و تبادل نظر درباره طیف وسیعی از موضوعات می‌شوند. در این گونه خانواده‌ها عقاید متنوع و متفاوت مورد پذیرش قرار می‌گیرد و فرزندان ضمن احترام به والدین می‌توانند به مخالفت با آنان بپردازند (Sigelman & Rider, 2018). جهت‌گیری هم‌نواپی عبارت است از اینکه خانواده‌ها شرایط همسان بودن نگرش‌ها، ارزش‌ها و عقاید را مورد تأکید قرار می‌دهند و فرزندان ملزم به رعایت هنجارهای والدین خود هستند (Koerner & Fitzpatrick, 2002).

پژوهش‌گران بر تأثیر کارکرد خانواده و نحوه ارتباط درون خانواده بر رفتارهای اجتماعی به‌ویژه مسئولیت‌پذیری داشته‌اند. ارتباط صمیمانه والدین همراه با تشویق باعث احساس بهتر فرزندان نسبت به خود شده و منجر به مسئولیت‌پذیری بیشتر آنان می‌شود (Birlceland, Breivik, & Wold, 2013). مارشال، جوردن، استیفنسون و تسی (Marshall, Jordan, Stephenson, & Tsey, 2014) نشان دادند که عوامل والدینی نقش مهمی در کاهش تأثیر همسالان بر رفتار سوء مصرف مواد نوجوانان دارد. سایر پژوهش‌ها نیز بر تأثیر عملکرد و ابعاد خانواده بر بهبود روابط اجتماعی و مسئولیت‌پذیری فرزندان تأکید داشته‌اند (Lenzi, Vieno, Santinello, Nation, & Voight, 2014; Didar, 2013; Safiri & Cheshmeh, 2011; Jokar & Rostami, 2014; Mohammadi Masiri, & Moradi, 2018) همان‌گونه که عنوان شد، مطابق با جبرگرایی متقابل (Bandura, 1986) عوامل محیطی در تعامل با عوامل فردی بر رفتار و عملکرد انسان اثر گذارند، بنابراین، این مسأله قابل طرح است که ارتباطات درون خانواده از طریق کدام عامل فردی، مسئولیت‌پذیری را تحت تأثیر قرار می‌دهد؟ مطابق با شواهد پژوهشی، هویت از جمله عوامل فردی است که از یک طرف تحت تأثیر محیط خانواده قرار می‌گیرد (Laboviti, 2015) و از طرف دیگر، خود رقم‌زده رفتارها و عملکرد افراد است (Hagger, Anderson, & Kyriakaki & Darkings, 2007). رشد هویت شامل فرایندی است که در طی آن افراد به بررسی جنبه‌های مختلف زندگی پرداخته و جنبه‌هایی را که با اهداف، عقاید، ارزش‌ها و تمایلات آن‌ها هماهنگ است انتخاب می‌کنند (Kara & Cieciuchm, 2018). با توجه به پیچیده شدن جوامع و افزایش دامنه و گستره انتخاب هویتی افراد در عصر حاضر، به نظر می‌رسد فرایند هویت‌یابی طولانی‌تر شده و از دوران نوجوانی به دوران بزرگسالی در حال ظهور گسترش یافته است (Arseth, Kroger, & Martinussen, 2009). در فرایند هویت‌یابی، اکتشاف و متعهد دو بُعد اساسی بوده و تعیین‌کننده وضعیت هویت افراد است (Marcia, 2008).

اکتشاف به معنی گردآوری اطلاعات دربارهٔ گزینه‌های مختلف برای شکل‌گیری تعهد است و تعهد به انتخاب بین گزینه‌ها و متعهد شدن به انتخاب خود اشاره دارد (Luyckx, Goossens, Soenens, & Beyers, 2006). اینکه انسان‌ها در روند شکل‌گیری هویت، تا چه حد به اکتشاف، کنکاش و جستجوی اطلاعات مربوط به هویت بپردازند و همچنین چگونه انتخاب نمایند و به چه میزان به انتخاب خود پایبند باشند، به محیط پیرامون آن‌ها وابسته است. با توجه به مطالعات انجام گرفته، در خانواده‌هایی که از روش‌های تربیتی مقتدرانه استفاده می‌شود، بیشتر احتمال دارد که فرزندان دست به اکتشاف زده و آزادانه در خصوص اطلاعات هویتی خود جستجو نمایند (Marcia, 2008). در حالی که در خانواده‌هایی که فرزندان از آزادی عمل و استقلال رأی برخوردار نیستند، میزان اکتشاف کاهش می‌یابد (Sigelman & Rider, 2018). در واقع به نظر می‌رسد برخورداری از ارتباط صمیمانه و توأم با آزادی و فراهم آوردن فرصت کاوش در ارزش‌ها و اهداف در محیط خانواده، نوجوان را متمایل به انتخاب آگاهانه و متعهدانه ارزش‌ها و اهداف می‌کند (Berck, 2013). در حقیقت، این‌گونه انتخاب، به رشد هویت نوجوان کمک می‌کند و موجب می‌شود نوجوان درک درستی از خود و اهداف زندگی داشته و در قبال انتخاب‌های خود مسئولیت‌پذیر شود. به نظر می‌رسد در خانواده‌هایی که ارتباط عاطفی قوی توأم با احساس امنیت حاکم است، فرزندان از اعتماد به نفس کافی برای جستجوی اطلاعات مربوط به هویت برخوردار می‌شوند (Sheikhslami & Borzou, 2015) و تصمیم‌های منطقی و عقلانی‌تری را اتخاذ می‌کنند (Steinberg, 1996). نتایج پژوهش‌ها حاکی از آن است که الگوی ارتباطی گفت و شنود بر سبک‌های هویتی اطلاعاتی و هنجاری و الگوی ارتباطی هم‌نواپی بر سبک هویتی سردرگم تأثیر مثبت دارد، (Koepke & Denissen, 2012); (Smits, Soenens, Luyckx, Duriez, Berzonsky, & Goossens, 2008).

لازم به ذکر است که فرایندهای متنوع هویت‌یابی منجر به پیامدهای روان‌شناختی و رفتاری متفاوتی می‌شوند. برای مثال، افراد دارای هویت پیشرفته که دارای اکتشاف و تعهد بالایی هستند، در مقایسه با افراد برخوردار از هویت آشفته که اکتشاف و تعهد کمی دارند، از مسئولیت‌پذیری بیشتری برخوردارند (Luyckx, Schwartz, Berzonsky, Soenens, Vansteenkiste, & Goossens, 2008). همچنین، ریکمن (Ryckman, 2008) عنوان می‌کند، افرادی که هویت آشفته دارند، از تعهد و تصمیم‌راسخ برخوردار نیستند و فقدان یک معنی شفاف از هویت در چنین اشخاصی ممکن است دامنه‌ای از حالت‌های عاطفی منفی (مانند بدبینی، ندامت، خشم، احساس بی‌پناهی، ناامیدی و بی‌مسئولیتی) را آشکار کند. با توجه به مباحث فوق این مسأله قابل طرح است که آیا الگوهای ارتباطی خانواده از طریق ابعاد هویت، مسئولیت‌پذیری بزرگسالان در حال ظهور را تحت تأثیر قرار می‌دهند؟

شایان ذکر است که در پژوهش‌هایی که بر روی نوجوانان و جوانان ایرانی صورت گرفته، نشان داده شده است که میزان مسئولیت‌پذیری در این قشر بسیار پایین بوده، به طوری که حدود ۷۰ درصد از پاسخگویان در طبقه متوسط و پایین قرار می‌گیرند (Safiri & Cheshmeh, 2011). این در حالی است که مسئولیت‌پذیری از عناصر مهم تربیت شهروندان مفید است و از ویژگی‌های رشد بهنجار محسوب می‌شود (Tomas, 2005). بنابراین برای برخورداری از یک جامعه سالم که افراد در قبال رفتارها و

نقش‌های اجتماعی خود احساس مسئولیت نمایند و در جهت رشد و اعتلای جامعه گام بردارند، نیازمند شناسایی عوامل مؤثر بر مسئولیت‌پذیری هستیم. در این راستا، پژوهش حاضر از اولین اقداماتی است که بر اساس نظریه بندورا با ارائه مدلی علی به بررسی هم‌زمان اثر عوامل محیطی و فردی بر مسئولیت‌پذیری پرداخته و علاوه بر اثرات مستقیم، اثرات غیرمستقیم متغیرها را نیز، مورد توجه قرار داده است. بر این اساس، هدف پژوهش حاضر بررسی نقش میانجی‌گری ابعاد هویت در رابطه بین الگوهای ارتباطی خانواده و مسئولیت‌پذیری بود. بر مبنای مدل مفهومی پژوهش، الگوهای ارتباطی خانواده (گفت و شنود و همنوایی) هم به‌طور مستقیم و هم با میانجی‌گری ابعاد هویت (تعهد و اکتشاف) پیش‌بین معنی‌داری مسئولیت‌پذیری فردی و اجتماعی در دوره بزرگ‌سالی در حال ظهور هستند.

## روش

### جامعه، نمونه و روش نمونه‌گیری

پژوهش حاضر هم‌بستگی از نوع تحلیل معادلات ساختاری است. در این پژوهش روابط میان متغیرها از طریق تحلیل مدلی معادلات ساختاری مورد ارزیابی قرار گرفت. بر اساس این طرح، الگوی ارتباطی خانواده با دو بُعد همنوایی و گفت و شنود به‌عنوان متغیر برون‌زاد، ابعاد هویت با دو مؤلفه اکتشاف و تعهد، به‌عنوان متغیر میانجی و مسئولیت‌پذیری فردی و اجتماعی به‌عنوان متغیر درون‌زاد در نظر گرفته شده‌اند. لازم به ذکر است که همه متغیرها به‌عنوان متغیر مکنون منظور گردیده‌اند.

جامعه این پژوهش شامل کلیه دانش‌جویان کارشناسی دانشگاه شیراز در دامنه سنی ۱۸ تا ۲۹ سال، مشغول به تحصیل در سال تحصیلی ۹۷-۱۳۹۶ بود. ۵۳۷ دانش‌جو (۳۲۲ زن و ۲۱۵ مرد) با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای چندمرحله‌ای از میان شش دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، ادبیات و علوم انسانی، هنر و معماری، مهندسی شیمی، مدیریت و علوم اجتماعی و دامپزشکی انتخاب شدند. سپس از هر دانشکده سه کلاس به تصادف انتخاب و تمام دانش‌جویان کلاس‌های منتخب به‌عنوان نمونه برگزیده شدند. میانگین و انحراف معیار سن شرکت‌کننده‌ها ۲۴/۵ و ۶/۴۵ است.

### ابزار اندازه‌گیری

**پرسش‌نامه مسئولیت‌پذیری (Responsibility Questionnaire).** پرسش‌نامه مسئولیت‌پذیری با ۲۱ ماده توسط سروش (Soroush, 2011) ساخته شده و شامل ۱۰ ماده برای سنجش مسئولیت‌پذیری فردی و ۱۱ ماده برای سنجش مسئولیت‌پذیری اجتماعی است. ماده‌های این پرسش‌نامه بر اساس یک طیف لیکرت ۵ رتبه‌ای (کاملاً مخالفم = ۱ تا کاملاً موافقم = ۵) مورد سنجش قرار می‌گیرد. ضرایب آلفای کرونباخ پرسش‌نامه مسئولیت‌پذیری در بُعد فردی ۰/۷۲ و بُعد اجتماعی ۰/۷۱ (Soroush, 2011)؛ محمدی و شیخ‌الاسلامی ضرایب پایایی آلفای کرونباخ ابعاد مسئولیت‌پذیری فردی، ۰/۸۲، مسئولیت‌پذیری اجتماعی، ۰/۵۸ و مسئولیت‌پذیری کل، ۰/۷۲ (Mohammadi & Sheikholeslami, 2011)؛ و

شیخ‌الاسلامی و برزو (Sheikhslami & Borzou, 2015) ضریب ۰/۸۰ در کل پرسش‌نامه گزارش کرده‌اند.

در این پژوهش، ساختار دو عاملی این پرسش‌نامه مورد تأیید قرار گرفت. همچنین، ضرایب پایایی آلفای کرونباخ این پرسش‌نامه را در ابعاد مسئولیت‌پذیری فردی، مسئولیت‌پذیری اجتماعی و مسئولیت‌پذیری کل به ترتیب ۰/۷۴، ۰/۷۱ و ۰/۷۰ بدست آمد.

**پرسش‌نامه ابعاد هویت (Identity Dimensions Questionnaire).** پرسش‌نامه ابعاد هویت توسط لویکس و همکاران (Luyckx et al., 2008) ساخته شده و دارای ۲۵ ماده است و دو بُعد کلی اکتشاف و تعهد را اندازه‌گیری می‌کند. بُعد تعهد شامل دو خرده‌مقیاس ساخت تعهد و همانندسازی با تعهد و بُعد اکتشاف شامل سه خرده‌مقیاس اکتشاف در عمق، اکتشاف در گستره و اکتشاف با تأمل است. هر یک از خرده‌مقیاس‌ها شامل ۵ ماده است. ماده‌های این پرسش‌نامه بر اساس یک طیف لیکرت از ۱ (کاملاً مخالف) تا ۵ (کاملاً موافق) نمره‌گذاری می‌شوند. سازندگان مقیاس، با استفاده از تحلیل عامل تأییدی، ساختار پنج عاملی این پرسش‌نامه را مورد بررسی قرار دادند. نتایج بیانگر این بود که ساختار پنج عاملی در مقایسه با ساختارهای دیگر، از برتری نسبی برخوردار است (Luyckx et al., 2008). ضریب هم‌بستگی بین خرده‌مقیاس‌ها با یکدیگر و با نمره کل پرسش‌نامه نیز معنی‌دار بوده است. همچنین، ضرایب پایایی آلفای کرونباخ برای کل مقیاس و خرده‌مقیاس‌ها بین ۰/۷۹ تا ۰/۸۸ (Luyckx et al., 2008) و ۰/۶۴ تا ۰/۹۱ بدست آمده است. (Dooran, Azad-Falah, Fathi Ashtiani, & Pourhosseini, 2011)

در پژوهش حاضر، نتایج تحلیل عامل تأییدی، ساختار ۵ عاملی این پرسش‌نامه را مورد تأیید قرار داد. ضرایب پایایی آلفای کرونباخ خرده‌مقیاس‌های ساخت تعهد، همانندسازی با تعهد، اکتشاف در عمق، اکتشاف در گستره و اکتشاف با تأمل به ترتیب ۰/۶۱، ۰/۶۰، ۰/۶۴، ۰/۵۵ و ۰/۶۳ و برای دو بُعد کلی تعهد و اکتشاف به ترتیب ۰/۷۲ و ۰/۶۹ بدست آمد.

**پرسش‌نامه الگوی ارتباطات خانواده تجدیدنظر شده ( Revised Version of Family Communication Pattern Questionnaire).** این پرسش‌نامه توسط کوئرر و فیتزپاتریک (Koerner & Fitzpatrick, 2002) ساخته شده و یک ابزار خودسنجی است که میزان موافقت یا عدم موافقت پاسخ‌دهنده را با ۲۶ گزاره که درباره وضعیت ارتباطات خانواده هستند، در دامنه ۵ درجه‌ای لیکرت مورد بررسی قرار می‌دهد (کاملاً مخالفم = ۱ تا کاملاً موافقم = ۵). ۱۵ گزاره اول بُعد جهت‌گیری گفت و شنود و ۱۱ گزاره بعدی بُعد جهت‌گیری همنوایی را اندازه‌گیری می‌کنند. کوروش‌نیا (Kourosnia, 2006) و کشتکاران (Keshtkaran, 2008) در پژوهش‌های جداگانه روایی این پرسش‌نامه با استفاده از تحلیل عاملی مورد تأیید قرار دادند. کشتکاران (Keshtkaran, 2008) ضرایب پایایی آلفای کرونباخ خرده‌مقیاس‌های گفت و شنود و

همنوایی ۰/۸۷ و ۰/۸۳ و ضریب پایایی بازآزمایی دو خرده مقیاس فوق ۰/۸۷ و ۰/۹۷ را برای خرده مقیاس گفت و شنود گزارش کردند.

در این پژوهش، روایی سازه پرسش‌نامه الگوی ارتباطات خانواده با استفاده از روش تحلیل عاملی تأییدی دو عامل همنوایی و گفت و شنود را شناسایی نمود. ضرایب پایایی آلفای کرونباخ پرسش‌نامه الگوی ارتباطات خانواده در بُعد گفت و شنود ۰/۹۲ و در بُعد همنوایی ۰/۸۷ بدست آمد.

### روند اجرای پژوهش

پس از کسب مجوزهای لازم برای اجرای پژوهش در کلاس‌های دانشکده‌های انتخابی و رعایت ملاک‌های ورود و خروج به پژوهش، در هر کلاس، ابتدا ضمن معرفی خود در مورد اهداف و ضرورت‌های تحقیق توضیحاتی ارائه شد. هم‌چنین به شرکت‌کنندگان اطمینان داده شد که پاسخ‌های آن‌ها محرمانه خواهد ماند و پرسش‌نامه‌ها به صورت جمعی تحلیل می‌شوند و هرکسی که مایل به ادامه در پژوهش نباشد می‌تواند از مطالعه خارج شود.

### تجزیه و تحلیل داده‌ها

در این پژوهش برای ارزیابی و بررسی مدل فرضی از تحلیل مدل یابی معادلات ساختاری و شاخص‌های نسبت مجذور کای بر درجات آزادی (df/2)، نیکویی برازش (GFI)، شاخص برازش افزایشی (IFI)، نیکویی برازش اصلاح شده (AGFI)، ریشه مجذور میانگین خطای تقریب (RMSEA) و شاخص برازش تطبیقی (CFI) استفاده گردید.

### یافته‌ها

در جدول ۱ میانگین، انحراف معیار و ضرایب هم‌بستگی متغیرهای پژوهش نشان داده شده‌اند.

جدول ۱

میانگین، انحراف معیار و ضرایب هم‌بستگی متغیرهای پژوهش

متغیرها	میانگین	انحراف معیار	گفت و شنود	همنوایی	تعهد	اکتشاف	مسئولیت‌پذیری فردی
گفت و شنود	۵۳/۰۶	۱۲/۹	-				
همنوایی	۲۸/۷۷	۹/۹۴	۰/۳۵**	-			
تعهد	۱۳/۵۶	۴/۵۴	۰/۳۲**	۰/۱۶**	-		
اکتشاف	۱۰/۷۴	۳/۶۶	۰/۲۴	۰/۲۲**	۰/۲۳**	-	
مسئولیت‌پذیری فردی	۴۶/۷۹	۴/۶۲	۰/۲۱**	۰/۰۵	۰/۱۵**	۰/۰۱۳	-
مسئولیت‌پذیری اجتماعی	۵۸/۰۱	۷/۵۲	۰/۳۵*	۰/۰۶	۰/۴۳**	۰/۱۱*	۰/۳۹**

\*p < ۰/۰۵      \*\*p < ۰/۰۱

نتایج ضرایب هم‌بستگی جدول ۱ نشان می‌دهد که بین متغیرهای برون‌زاد جهت‌گیری گفت و شنود و جهت‌گیری هم‌نوایی ۰/۳۵ -؛ بین متغیرهای تعهد با هم‌نوایی رابطه منفی و معنی‌دار و بین متغیرهای مسئولیت‌پذیری فردی و اجتماعی با گفت و شنود و تعهد رابطه مثبت و معنی‌دار وجود دارد. همان‌طور که در شکل ۱ ملاحظه می‌شود، ضرایب مسیرهای مستقیم الگوی ارتباطی گفت و شنود بر مسئولیت‌پذیری فردی ( $p < 0/001, \beta = 0/16$ ) و مسئولیت‌پذیری اجتماعی ( $p < 0/001, \beta = 0/16$ )، الگوی هم‌نوایی بر مسئولیت‌پذیری فردی ( $p < 0/019, \beta = 0/11$ )، الگوی ارتباطی گفت و شنود بر تعهد ( $p < 0/001, \beta = 0/30$ )، الگوی هم‌نوایی بر اکتشاف ( $p < 0/001, \beta = 0/22$ ) معنی‌دار هستند، و بُعد تعهد پیش‌بین مثبت و معنی‌دار مسئولیت‌پذیری فردی ( $p < 0/012, \beta = 0/11$ ) و مسئولیت‌پذیری اجتماعی ( $p < 0/001, \beta = 0/32$ ) است. در کل، ۳۱ درصد از واریانس مسئولیت‌پذیری اجتماعی و ۱۰ درصد از واریانس مسئولیت‌پذیری فردی، ۱۲ درصد از واریانس متغیر تعهد و ۸ درصد از واریانس متغیر اکتشاف را تبیین می‌کند.

همان‌گونه که در جدول ۲ ملاحظه می‌شود، بُعد تعهد از ابعاد هویت نقش میانجی را بین الگوی ارتباطی گفت و شنود با مسئولیت‌پذیری فردی ( $p < 0/046, \beta = 0/05$ ) برعهده دارد. بدین معنی که الگوی ارتباطی گفت و شنود موجب افزایش تعهد هویتی شده و از این طریق مسئولیت‌پذیری فردی را نیز افزایش می‌دهد. هم‌چنین بُعد تعهد بین الگوی ارتباطی گفت و شنود و مسئولیت‌پذیری اجتماعی ( $p < 0/003, \beta = 0/09$ ) نیز نقش میانجی‌گری دارد. اما بُعد اکتشاف از ابعاد هویت نقش میانجی‌گری بین الگوهای ارتباطی خانواده و مسئولیت‌پذیری را برعهده ندارد.

جدول ۲

ضرایب مسیر غیرمستقیم مدل ارتباطی خانواده بر مسئولیت‌پذیری فردی و اجتماعی با میانجی‌گری تعهد با

روش بوت استرپ

اثرات غیرمستقیم					متغیرها		
P	حد بالا	حد پایین	خطا	درون‌زاد	میانجی	برون‌زاد	
0/046	0/16	0/01	0/02	0/05	مسئولیت‌پذیری	تعهد	گفت و شنود
0/003	0/17	0/04	0/03	0/09	مسئولیت‌پذیری اجتماعی	تعهد	

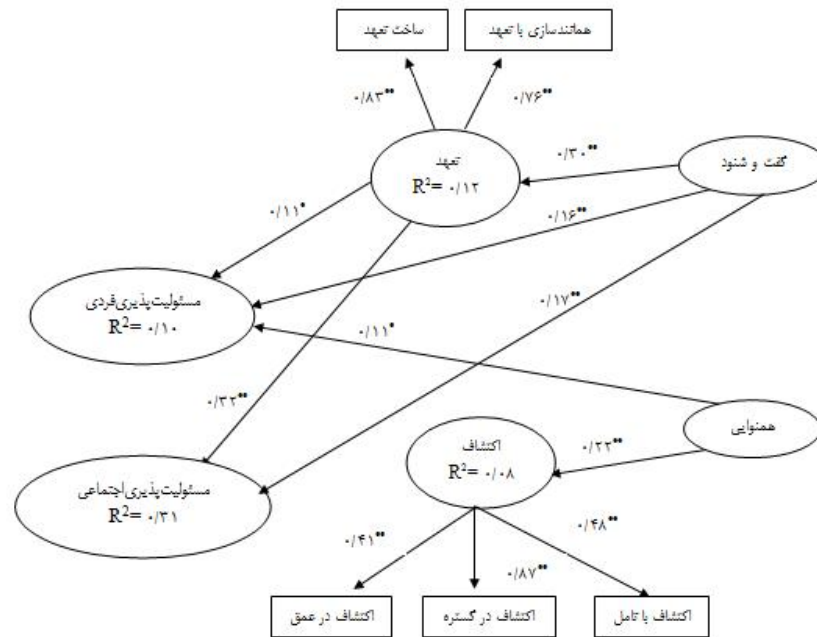
جدول ۳

شاخص‌های برازش مدل پژوهش

RMSEA	AGFI	GFI	IFI	CFI	$\chi^2/df$	شاخص‌ها
0/01	0/76	0/96	0/90	0/90	۲/۸۷	مقادیر
0/07	0/90	0/90	0/90	0/90	< 3	مقادیر قابل قبول



جدول ۳ نشان می‌دهد که شاخص‌های برزندگی برای مدل پیشنهادی پژوهش در مقایسه با مقادیر قابل قبول، در دامنه مطلوبی هستند و مدل مفروض از برازش مناسبی برخوردار است.



\*-0.1  
\*\*-0.001

شکل ۱  
مدل مفروض پژوهش

### بحث

همان‌گونه که بیان شد، هدف از انجام این پژوهش بررسی نقش میانجی‌گری ابعاد هویت در رابطه الگوهای ارتباطی خانواده و مسئولیت‌پذیری فردی و اجتماعی در دوره بزرگسالی در حال ظهور بود. یکی از مهم‌ترین شاخص‌های انتقال از دوره نوجوانی به بزرگسالی، مسئولیت‌پذیری (Arnett, 2013) است که در این پژوهش پیشایندهای این سازه مورد بررسی قرار گرفت. منطبق با یافته‌های پژوهش، الگوهای ارتباطی خانواده بر مسئولیت‌پذیری تأثیر مستقیم دارد. این یافته با نتایج پژوهش‌های پیشین مبنی بر اثر خانوادگی بر رفتارهای اجتماعی فرزندان، همسو است (Lenzi et al., 2014; Birleland et al., 2013; Didar, 2013; Safiri & Cheshmeh, 2011). در خصوص این یافته می‌توان گفت در الگوهای ارتباطی خانواده، تعامل و ارتباط بین والدین و فرزندان به‌عنوان یک واحد اجتماعی، مورد توجه قرار

می‌گیرد. در نظر گرفتن این نوع ارتباط در خانواده، با واقعیت‌های روان‌شناختی هماهنگی بیشتری دارد. چرا که خانواده به‌عنوان یک سیستم در نظر گرفته می‌شود که علاوه بر آنکه رفتار هر جزء بر اجزاء دیگر آن اثر می‌گذارد، کل سیستم را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد. بنابراین، به نظر می‌رسد سازه الگوهای ارتباطی خانواده بهتر می‌تواند اثر روابط پیچیده بین اعضای خانواده بر رفتار فرزندان از جمله مسئولیت‌پذیری را منعکس کند (Fitzpatric & Koerner, 2004).

همان‌گونه که بیان شد الگوی‌های ارتباطی خانواده شامل دو مؤلفه هم‌نواپی و گفت و شنود است. نتایج بیانگر این بود که الگوی ارتباطی هم‌نواپی بر مسئولیت‌پذیری فردی و الگوی ارتباطی گفت و شنود بر مسئولیت‌پذیری اجتماعی و فردی تأثیرگذار بودند. در خصوص تأثیر هم‌نواپی بر مسئولیت‌پذیری فردی می‌توان به این مطلب اشاره کرد که نخستین مرحله جامع‌پذیری که در واقع همان تبعیت از هنجارهای اجتماعی است، در خانواده صورت می‌گیرد. در واقع، والدین آگاهانه با امر و نهی و آموزش، فرزندان خود را با ارزش‌ها، هنجارها، نگرش‌های اجتماعی و مذهبی و به طور کلی با فرهنگ آشنا می‌کنند و سپس با تشویق و تنبیه آن‌ها به درونی ساختن این امور اقدام می‌کنند (Didar, 2013) تا فرزندان بتوانند به کنترل درونی مجهز شوند و در قبال رفتارهای خود احساس مسئولیت کنند. علاوه بر این، فرزندان درمی‌یابند که جهت‌پذیرش در خانواده باید مراقب رفتارهای خود باشند و مسئولیت رفتارهای خود را بپذیرند.

در تبیین و توجیه تأثیر الگوی ارتباطی گفت و شنود بر مسئولیت‌پذیری فردی و اجتماعی نیز می‌توان بیان داشت که با ایجاد فضای صمیمانه توأم با گفتگو و تبادل نظر، از طریق گفتگوهای خانوادگی، انتظارات، قوانین و مسئولیت‌ها مشخص می‌شوند؛ و اعضای خانواده یاد می‌گیرند که به قوانین احترام بگذارند و به دلیل انتخاب آزادانه و آگاهانه، خود را در قبال رفتارشان مسئول بدانند. همچنین، پذیرش آگاهانه و آزادانه قواعد و قوانین، منجر به مسئولیت‌پذیری اعضای خانواده در قبال یکدیگر می‌شود. علاوه بر این، پذیرش قواعد خانواده از طریق تبادل نظر با والدین می‌تواند برای فرزندان روشن کند که والدین چه انتظاراتی از آن‌ها دارند (Birlceland et al., 2013) و فرزندان نیز به دلیل مشارکت در تنظیم قواعد و قوانین خود را در تصمیم‌گیری‌ها دخیل دانسته و در قبال انجام آن‌ها احساس مسئولیت می‌کنند. چنین فضایی تمرینی خواهد بود برای پذیرفتن مسئولیت در جامعه و متعهد شدن در قبال رفتارهای خود و دغدغه‌مندی وضعیت دیگران. همچنین، در خانواده‌هایی با الگوی ارتباطی گفت و شنود، افراد امکان ابراز احساسات، برقراری روابط صمیمانه و توانایی بر عهده گرفتن نقش‌ها را دارند و می‌توانند در جامعه خود به عنوان فردی مفید و مؤثر شناخته شوند (Fitzpatric & Koerner, 2004). فریهو، دونکلسچتر، بوور، لو و اسملی (Fariho, DunkelSchetter, Bower, Lu, & Smalley, 2016) نشان دادند که رفتارهای نوع‌دوستانه در کودکان به‌طور مستقیم با تبادل ارزش‌ها و رفتارهای نوع‌دوستانه حداقل توسط یکی از والدین در ارتباط است. افرادی که به ارتباط بیشتر با والدین خو گرفته‌اند و تحت تکنیک‌های تربیتی هماهنگ رشد کرده‌اند سطوحی از رفتار سودمند اجتماعی را نشان می‌دهند.

یافته دیگر پژوهش حاضر بیانگر آن بود که الگوی گفت و شنود اثر مثبت و معنی‌دار بر تعهد هویتی و الگوی هم‌نواپی اثر مثبت و معنی‌دار بر اکتشاف هویتی دارد. این یافته که نوع تعامل درون

خانواده بر هویت‌یابی فرزندان تأثیرگذار است در پژوهش‌های گذشته نیز مورد تأیید قرار گرفته است (Seligman & Rider, 2018; Fine & Fincham, 2013; An & Wang, 2014; Kim et al., ) (Ameri & Amoei, 2016; Ghaffari & Mahini, 2014). خانواده نقش اساسی در شکل‌گیری هویت سالم و چگونگی گذران بحران هویت دارد. نهاد خانواده به‌عنوان مرکز و خاستگاه هویت می‌تواند از یک طرف، زمینه گذران مرحله اکتشاف، بررسی و جستجوی نقش‌های مختلف هویتی را برای فرزندان فراهم آورد و از طرف دیگر با انتقال آگاهی و اطلاعات هویتی به انتخاب‌های فرزندان خود و تعهد به این انتخاب‌ها کمک کند. در تبیین این یافته که گفت و شنود اثر مثبت بر بُعد تعهد دارد می‌توان بیان کرد در خانواده‌هایی که ارتباط صمیمی بین اعضا همراه با ترغیب استقلال برقرار است و فرزندان تشویق می‌شوند در مواجهه با مشکلات و مسائل (ضمن برخورداری از حمایت والدین و دیگر اعضای خانواده) مستقلانه تصمیم‌گیری نمایند، در شرایط کسب هویت نیز از چنین الگویی استفاده می‌کنند. در واقع در چنین خانواده‌هایی در عین حالی که احساس صمیمیت همراه با احترام متقابل تجربه می‌شود، فرزندان می‌توانند آزادانه نظر مخالف خود با والدین را ابراز کنند (Sigelman & Rider, 2018). بر این اساس، از آنجایی که نقش‌های هویتی به فرزندان تحمیل نمی‌شود و آن‌ها در کسب الگوهای هویتی خود در عین مشارکت فعالانه با دیگر اعضای خانواده، مستقلانه عمل می‌کنند، تعهد بیشتری نیز نسبت به هویت کسب شده دارند. علاوه بر این، به نظر می‌رسد که همان فضای گفت و شنود و تبادل نظر در خانواده به‌طور طبیعی نقش اکتشاف را برای فرزندان این‌گونه خانواده‌ها ایفا می‌کند، بنابراین آگاهی‌های کسب‌شده در این فضا منجر به تعهد بیشتر فرزندان می‌شود.

اما یافته قابل‌توجه در پژوهش حاضر آن بود که بر خلاف انتظار، الگوی هم‌نوایی اثر مثبت بر اکتشاف هویتی دانش‌جویان داشته است. با توجه به این یافته می‌توان گفت که تأکید بر هم‌نوایی و یکسان نمودن ارزش‌ها و تبعیت از ارزش‌های خانوادگی بدون قدرت انتخاب، ممکن است در دوره کودکی فرزندان را به تبعیت هدایت نماید، اما احتمالاً این تبعیت (و به‌ظاهر تعهد) چون مبتنی بر آگاهی و اختیار نیست، متزلزل است. بنابراین با ورود به دانشگاه به دلیل جو باز فرهنگی و روبرو شدن با تجارب متنوع و هم‌چنین کم شدن کنترل مستقیم والدین، این فرزندان اشتیاق بیشتری به اکتشاف، کنکاش و جستجوی نقش‌های هویتی خواهند داشت. در واقع به‌نظر می‌رسد نیاز ارضاء نشده (نیاز به اکتشاف) در خانواده، در شرایط جدید فعال می‌شود. همچنان که در متون علمی نیز برخورداری از فرصت اکتشاف به‌عنوان یکی از عوامل مؤثر بر هویت‌یابی مورد توجه قرار گرفته و مطرح می‌شود. نوجوانانی که به دانشگاه وارد می‌شوند با ایده‌های گوناگون مواجه شده و ترغیب می‌شوند که در مورد دغدغه‌های خود مستقلانه فکر کنند (Sigelman & Rider, 2018). به اعتقاد گروگر (Kroger, 2007)، محیط دانشگاه یک فرصت مناسب برای اکتشاف آزادانه فراهم می‌آورد.

دیگر یافته پژوهش نشان داد که تعهد (از ابعاد هویت) بر مسئولیت‌پذیری اثر مثبت دارد. این یافته نیز با نتایج پژوهش‌های گذشته همسو است (Kara & Ciecuchm, 2018; Berck, 2013; ) (Sheikholeslami & Berzou, 2015; Steinberg, 1996). مؤلفه تعهد از ابعاد هویت بیانگر آن است

که افراد نسبت به انتخاب‌های خود احساس مسئولیت می‌نمایند و به روش زندگی که انتخاب می‌کنند مقید هستند (Luyckx et al., 2008). بنابر این محور تعهد، همان مسئولیت‌پذیری است. افرادی که به انتخاب‌های هویتی خود متعهد هستند، نسبت به سرنوشت خود و دیگران حساس بوده و در قبال آن احساس مسئولیت می‌کنند. این افراد در فرایند شکل دادن به هویت خود به اصول و قواعدی متعهد می‌شوند، که موجب می‌شود در برخورد با تجارب مثبت و منفی به‌صورت مسئولانه‌تری رفتار کنند (Crogetti et al., 2014). حال این مسئولیت‌پذیری هم می‌تواند در قبال خود باشد و هم در قبال دیگران. البته در پژوهش حاضر بُعد تعهد هویت، مسئولیت‌پذیری اجتماعی را در مقایسه با مسئولیت‌پذیری فردی به میزان بیشتری پیش‌بینی نموده است و این می‌تواند ناشی از بافت فرهنگی جامعه باشد. معمولاً در جوامع شرقی که از فرهنگ جمع‌گرا برخوردارند، اعضای جامعه به نیازهای دیگران بیش از نیازهای خود اهمیت می‌دهند تا جایی که برخی موارد نیازها و خواسته‌های خود را فدای آسایش و آرامش دیگران می‌کنند (Hofstede, 2008).

از دیگر یافته‌های پژوهش حاضر آن بود که بُعد اکتشاف هویت قادر نبود مسئولیت‌پذیری را پیش‌بینی نماید. مطابق با نظر مارسیا (Marcia, 2008) در فرایند هویت‌یابی، مرحله اکتشاف یک دوره تعلیقی را ایجاد می‌کند که فرد بتواند در مورد گزینه‌های مختلف به تفکر بپردازد و در رسیدن به تعهد عجله نداشته باشد. شاید بتوان گفت در این دوره نوعی سردرگمی و یا تردید سازنده‌ای وجود دارد که انتظار می‌رود سرانجام به تعهد برسد. چرا که فرد در این دوره رها از هر گونه مسئولیت و نگرانی از بازخواست، به بررسی هویت خود می‌پردازد و ممکن است مکرراً انتخاب‌های خود را تغییر دهد و نقش‌های مختلف اجتماعی را تجربه کند (Marcia, 2008). بنابراین، می‌توان گفت در این مرحله عدم مسئولیت‌پذیری نه به‌عنوان یک آسیب اجتماعی بلکه به‌عنوان یک ویژگی طبیعی تلقین‌گو. یک فرایند تحولی است که سرانجام مسیر رشدی خود را طی خواهد کرد. به‌عبارت دیگر در این مرحله از تحول هویتی، هنوز ویژگی مسئولیت‌پذیری به‌خوبی رشد نیافته است. چون هنوز افراد پایبند به اصول، قواعد، ارزش‌ها و یا هنجارهایی نشده‌اند که خود را ملزم به تقید به آن‌ها بدانند. مضافاً آنکه همان‌گونه که قبلاً عنوان شد امروزه به دلیل پیچیده شدن نقش‌های اجتماعی، مرحله اکتشاف طولانی‌تر شده و فرایند هویت‌یابی تا دوره بزرگسالی در حال ظهور ادامه پیدا کرده است. به همین دلیل مشاهده می‌شود که اکتشاف ارتباط معنی‌داری با مسئولیت‌پذیری نشان نمی‌دهد.

نتایج پژوهش در خصوص نقش میانجی‌گری ابعاد هویت نشان‌دهنده آن بود که الگوی گفت و شنود خانواده با میانجی‌گری تعهد بر مسئولیت‌پذیری فردی و اجتماعی اثر مثبت دارد. به این معنا که الگوی گفت و شنود خانواده با افزایش تعهد هویتی منجر به افزایش مسئولیت‌پذیری فردی و اجتماعی دانش‌جویان می‌شود. بیشتر پژوهش‌های پیشین به بررسی روابط دوه‌دو این متغیرها پرداخته‌اند و کمتر پژوهشی را می‌توان یافت که روابط بین متغیرهای مذکور را در قالب مدلی علی بررسی کرده باشند. با این حال قاسمی، بادسار و فتحی (Gasemi, Badsar, & Fathi, 2018) نشان دادند متغیر دین‌داری در رابطه بین متغیرهای خانواده، دوستان و همسالان با مسئولیت‌پذیری می‌تواند نقش واسطه‌ای ایفا کند.

سیگلمن و رایدر (Sigelman & Rider, 2018) نیز بیان کردند در خانواده‌هایی که تعاملات گسترده و پاسخگویی متقابل بین والدین و فرزندان وجود دارد، فرزندان از احساس همدلی و رفتارهای نوع‌دوستانه بیشتری برخوردار هستند.

بر اساس یافته‌های پژوهش، هنگامی که در خانواده اعضا بتوانند به راحتی با یکدیگر گفتگو و تعامل داشته باشند و در اتخاذ دیدگاه‌ها، نگرش‌ها و مسائل هویتی خود آزادی عمل داشته باشند نسبت به آنچه که اتخاذ و انتخاب می‌کنند متعهد خواهند بود. این تعهد باعث می‌شود که هم نسبت به مسائل مرتبط با خود و هم نسبت به مسائل مرتبط با اجتماع احساس مسئولیت نمایند. به همین دلیل است که جهت‌گیری گفت و شنود از طریق تعهد هویتی بر هر دو نوع مسئولیت‌پذیری فردی و اجتماعی تأثیرگذار است. علاوه بر این، در تبیین این یافته می‌توان گفت گفتگو و تعامل با اعضای خانواده که در الگوی گفت و شنود خانواده حاکم است، می‌تواند در کسب هویت کمک‌کننده باشد. چرا که در چنین خانواده‌هایی، فرزندان اطلاعات مورد نیاز در خصوص خود و انتخاب‌هایشان را با اعضای خانواده به اشتراک می‌گذارند. از طرف دیگر، در چنین خانواده‌هایی بین والدین و فرزندان روابط صمیمانه وجود دارد. بنابر این آگاهی‌هایی که در فضای خانواده کسب شده‌اند و ارتباط قوی و صمیمانه موجود در خانواده، تعهد فرزندان را افزایش می‌دهد و به مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی و پذیرش مسئولیت‌های فردی و اجتماعی آنان منجر می‌شود.

### نتیجه‌گیری

در مجموع، نتایج حاکی از برازش مطلوب مدل مفروض با داده‌های پژوهش بود. نتایج پژوهش نشان داد که الگوی ارتباطی گفت و شنود اثر مثبت بر تعهد هویتی دارد. این متغیر نتوانست به طور معناداری اکتشاف هویتی را پیش‌بینی کند. همچنین، الگوی ارتباطی گفت و شنود، مسئولیت‌پذیری فردی و اجتماعی را نیز به طور مثبت و معنی‌داری پیش‌بینی نمود. الگوی ارتباطی هم‌نواپی نیز اکتشاف هویتی و مسئولیت‌پذیری فردی را به طور مستقیم و مثبت پیش‌بینی نمود. نتایج پژوهش در مورد نقش واسطه‌ای ابعاد هویت نشانگر آن است که بُعد تعهد هویتی نقش واسطه‌ای بین متغیرهای برون‌زاد و مسئولیت‌پذیری ایفا نمود؛ اما اکتشاف نقش واسطه‌ای ندارد. یافته‌های این پژوهش می‌تواند دلالت‌های نظری و کاربردی مهمی به دنبال داشته باشد. از آنجایی که دوره بزرگسالی در حال ظهور مفهومی جدید در روان‌شناسی رشد است، لذا پژوهش حاضر از اولین اقدامات پژوهشی در جهت شناخت این دوره تحولی است. همچنین، پژوهش حاضر با روشن نمودن مکانیزم اثرگذاری خانواده و هویت بر مسئولیت‌پذیری افراد، گامی است در جهت گسترش دانش در خصوص چگونگی رشد مسئولیت‌پذیری. به لحاظ کاربردی نیز پژوهش حاضر اطلاعات مهمی را در اختیار خانواده‌ها و مشاوران قرار می‌دهد. می‌توان با برگزاری دوره‌های آموزش خانواده توسط مدرسین متخصص و همچنین تهیه کتابچه‌های آموزشی، والدین را نسبت به نقش تعاملات ارتباطی درون خانواده در رشد هویت و مسئولیت‌پذیری فردی و

اجتماعی فرزندان آگاه نمود. علاوه بر این، مشاوران با ارائه مشاوره‌هایی که مبتنی بر تقویت و بهبود روابط خانوادگی و فراهم نمودن اطلاعات هویتی برای بزرگسالان در حال ظهور است، می‌توانند زمینه رشد مسئولیت‌پذیری را مهیا سازند. از آنجایی که پژوهش حاضر در دوره سنی بزرگسالی در حال ظهور انجام گرفته است، لذا در تعمیم نتایج آن به سایر دوره‌های سنی باید احتیاط نمود. پیشنهاد می‌شود این موضوع پژوهشی در دوره‌های سنی دیگر نیز مورد مطالعه قرار گیرد تا به شناسایی روند تحولی مسئولیت‌پذیری کمک نماید. محدودیت پژوهش حاضر این است که مطالعه در دانش‌جویان مقطع کارشناسی دانشگاه شیراز انجام شده است و قابلیت تعمیم نتایج آن به سایر گروه‌های سنی، دوره‌های رشدی، مقاطع تحصیلی و سایر فرهنگ‌ها محدود است. علاوه بر این، با توجه به آن که پژوهش حاضر از نوع هم‌بستگی است، لازم است استنباط علی از نتایج آن، با احتیاط صورت گیرد.

### سپاسگزاری

در پایان از تمامی مسئولان دانشگاه شیراز و دانش‌جویان مقطع کارشناسی این دانشگاه که در این پژوهش شرکت کردند و ما را همراهی نمودند صمیمانه سپاسگزاریم.

### References

- Ameri, F., & Amoei, N. (2016). The role of family function in the level of experience of identity crisis and adolescent differentiation. *Family Quarterly and Research*, 30, 77-91. (Persian)
- An, Q., & Wang, Y. (2014). On the relationship between college students' family function, differentiation of self and internet addiction. *Advances in Psychology*, (4), 187-194.
- Arnett, J.J.(1994). Are college students adults? Their conceptions of the transition to adulthood. *Journal of Adult Development*, 1, 154–168.
- Arnett, J.J.(2013). *Adolescence and emerging adulthood, a cultural approach (Fifth Edition)*. Pearson Education, Inc.
- Arseth, A. K., Kroger, J., & Martinussen, M. (2009). Meta-analytic studies of identity status and the relational issues of attachment and intimacy. *Identity*, 9, 1–32.
- Bandura, A. (1986). *Social foundation of thought and action: A social cognitive theory*. Englawood Cliffs, Nj: prentice Hall.
- Berck, L (2013). *Developmental Psychology. (Volume Two, Twenty-Third Edition)*, Yahya Seyed Mohammadi Translation, Tehran Arasbaran Publishing.
- Birkeland, M. S., Breivik, K., & Wold, B. (2013). Peer acceptance protects global self-esteem from negative effects of low closeness to parents

- during adolescence and early adulthood. *Journal of Youth and Adolescence*, 10, 929-937.
- Crocetti, E., Rubini, M., Berzansky, M., & Meeus, W. (2014). Brief report: the identity styles inventory validation in Italian adolescents and college. *Journal of Adolescence*, 32, 425 – 433.
- Didar, m. (2013). *The Relationship between Parents' Parenting Styles with Self-Esteem and Responsibility of First-Level Adolescents in High School*. Master's degree in family counseling, Faculty of Educational Sciences and Psychology, Islamic Azad University, Marvdasht Branch.(Persian).
- Dooran, B., Azad-Falah, P., Fathi Ashtiani, A. & Pourhosseini, R. (2011). The six-dimensional model of the Process of identity formation. *Journal of Psychology*, 59, 15 (3), 318-302.(Persian).
- Ellis, A. (2001). *Feeling better, getting better, and staying better*. New York, Impact Publishers.
- Fariho, C.M., DunkelSchetter, C., Bower, J.E., Lu, M.C.,& Smalley, S.L. (2016). Randomized controlled pilot trial of mindfulness training for stress reduction during pregnancy. *Psychology & Health*, 29(3):334-49.
- Fine, M.A., & Fincham, F. (2013). *Handbook of family theories: A content-based approach (1st Ed.)*. New York: Rutledge.
- Fitzpatric, K, M. A.,& Koerner, F. A. (2004). The family communication patterns theory: observations on its development and application. *The Journal of Family Communication*, 4(4),167-179.
- Galen, L. W. (2012). Does religious belief promote prosociality? A critical examination. *Psychological Bulletin*, 138, 876–906.
- Gasemi, M., Badsar, M., & Fathi, S. (2018). Investigating the mediating role of religiousness in analyzing factors affecting student social responsibility. *Applied Sociology*, 29 (1), 189-206.
- Ghaffari, M., & Mahini, S. (2014). Relationship between differentiation with family function in married students. *Personality Quarterly and Individual Differences*, 3 (4), 39-57.(Persian).
- Hofstede, G.H. (2008). *Culture's consequences: Comparing values, behaviors, institutions and organizations across nations (2nd Ed.)*. Thousand Oaks, CA: Sage.
- Hagger, M., Anderson, M., Kyriakaki, M., & Darkings, S. (2007). Aspects of identity and their influence on intentional behavior: Comparing effects for three health behaviors. *Personality and Individual Differences*, 42, 355–367.
- Hughes, C. H. (2010). Developing conceptual literacy in lifelong learning research, a case of responsibility? *British Educational Research Journal*, 27(5), 601-614.
- Jokar, B., & Rostami, R. (2014). The relationship between family communication orientations and loneliness: The mediating role of

- spiritual identity, *Biannual Journal of Applied Counseling*, 4 (2), 1-18. (Persian).
- Kara, D., & Ciecuchm, J. (2018). The relationship between identity processes and well-being in various life domains. *Personality and Individual Differences*, 121, 111-119.
- Keshtkaran, T. (2008). *The effect of family communication patterns on self-concept with parental verification mediation*. Master's Degree in Psychology, Shiraz University. (Persian).
- Kim, H., Prouty, A. M., Smith, D. B., Wetchler, J. L., & Oh, J. E. (2015). Differentiation and healthy family functioning of Koreans in South Korea, South Koreans in the United States and White Americans. *Journal of Marital & Family Therapy*, 41(1), 72-85.
- Koerner, A. F., & Fitzpatrick, M. A. (2002). Understanding family communication patterns and family functioning, the roles of conversation orientation and conformity orientation. *Communication Yearbook*, 26, 37-69.
- Koepke, S., & Denissen, J. A. (2012). Dynamics of identity development and separation individuation in parent child relationships during adolescence and emerging adulthood. A conceptual integration. *Developmental Review*, 32 (1), 67-88.
- Kouroshnia, M. (2006). *Investigating the impact of dimensions of family communication patterns on children's psychological adjustment*. Master's Degree in Psychology, Shiraz University. (Persian).
- Kroger, J. (2007). *Identity development. Adolescence through adulthood (2<sup>nd</sup> Ed.)*. Thousand Oaks. CA: Sage.
- Laboviti, B. (2015). Relations between the Parenting Styles and Identity Status of Teenagers in Albanian Context, *Journal of Educational and Social Research*, 5,1, 65-72.
- Lassi, Z. S., Salam, R. A., Das, J. K., Wazny, K., & Bhutta, Z. A. (2015). An unfinished agenda on adolescent health: Opportunities for interventions. *Seminars in Perinatology*, 39(5), 353-360.
- Lenzi, M., Vieno, A., Santinello, M., Nation, M., & Voight, A. (2014). The role played by the family in shaping early and middle adolescent civic responsibility. *The Journal of Early Adolescence*, 34(2), 251-278.
- Luyckx, K., Goossens, L., Soenens, B., & Beyers, W. (2006). Unpacking commitment and exploration: Preliminary validation of an integrative model of late adolescent identity formation; *Journal of Adolescence*, 29, (3), 361-378.
- Luyckx, K., Schwartz, S. J., Berzonsky, M. D., Soenens, B., Vansteenkiste, M., & Goossens, L. (2008). Capturing ruminative exploration: Extending the four-dimensional model of identity formation in late adolescence. *Journal of Research in Personality*, 42(1), 58-82.
- Marcia, J. E. (2008). Development and validation of ego identity status. *Journal of Personality and Social Psychology*, 27, 211-219.



- Marshall, K., Jordan, Z., Stephenson, M., & Tsey, K. (2014). The effectiveness of mindful parenting programs in promoting parents' and children's wellbeing: a systematic review. *JBIR database of systematic reviews and Implementation Reports*, 14(3):139-80.
- Mergler, A., Spencer, F. M., & Patton, W. A. (2007). Relationships between personal responsibility, emotional intelligence and self-esteem in adolescents and young adults, *The Australian Educational and Developmental Psychologist*, 24(1), 5-18.
- Mohammadi Masiri, F., & Moradi, K. (2018). The Study of family function and social anxiety: The mediating role of dysfunctional beliefs and social skills, *Biannual Journal of Applied Counseling*, 8(1), 97-114. (Persian)
- Mohammadi, H., & Sheikholeslami, R. (2013). The role of cultural values in predicting altruism, with intermediation of responsibility in students of Shiraz University. *Journal of Culture at Islamic University*, 3 (4), 602-585. (Persian)
- Mohanna, S. M., & Samani, S. (2017). Parent self-efficacy in different family types of family process and content model, *Biannual Journal of Applied Counseling*, 7(2), 1-16. (Persian).
- Munson, M., Lee, B., Miller, D., Cole, A., & Nedelcu, C. (2013). Emerging adulthood among former system youth: The ideal versus the real, *Children and Youth Services Review*, 35, 923-929.
- Ryckman, R. M. (2008). *Theories of personality. 10th Edition*, University of Maine, Cengage Learning, Higher Education.
- Thomas, R. M. (2005). *Comparing theories of child development*. Wadsworth, Cengage Learning.
- Safiri, K., & Cheshmeh, A. (2011). Adolescent responsibility and its relationship with family socialization practices, *Journal of Sociology of Education*, (3), 103-130. (Persian)
- Sheikhalaslami, R., & Borzo, S. (2015). Parenting and responsibility in teens: The mediating role of identity processing styles. *Journal of Psychological Methods and Models*, 6 (19), 119-97. (Persian)
- Sigelman, C. K., & Rider, E. A. (2018). *Human development across the life span*. Wadsworth: Cengage learning.
- Smits, I., Soenens, B., Luyckx, K., Duriez, B., Berzonsky, M. D., & Goossens, L. (2008). Perceived parenting dimensions and identity styles: Exploring the socialization of adolescence relevant information. *Journal of Adolescence*, 31 (2), 151-164.
- Soroush, M. (2011). The sense of personal and social responsibility, social justice and social trust; Case study of adolescents in Shiraz. *Journal of Applied Sociology*, 23, 46, 11-27. (Persian)
- Steinberg, L. D. (1996). *Adolescence*. New York: Mc Grae- Hill.



